

۳ فرد تاثیرگذار در زندگی من

بزرگ مردی که
اسوه حسنه و
رحمه للعالمین
بود. پیامبری
که همواره در
ارتباطی زنده
و پویا با تمام
هستی بود



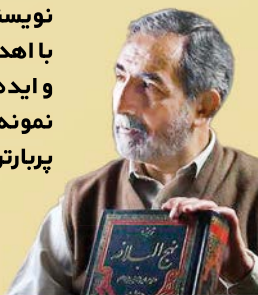
پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد (ص)

حکیمی فرزانه
با طبعی بلند
که برای حفظ
زبان و وطن، از
هیچ کوششی
دریغ نکرد



حکیم ابوالقاسم فردوسی

نویسنده‌ای آزاده
با اهداف بزرگ
و ایده‌های نو.
نمونه درخت هرچه
پربارتر، افتاده‌تر.



استاد امیرحسین فردی

بخشی از این اتفاق به این دلیل است که نویسندگان مرد در زمینه نگارش داستان پیش‌تاز بوده‌اند و در دوره‌ای زنان کم‌تری وارد عرصه نویسندگی شده‌اند. طبیعتاً در داستان‌های این نویسندگان نیز مردان فرصت بیش‌تری برای عرض اندام و تبدیل شدن به قهرمان یافته‌اند. لازم بود زنانی وارد گود نویسندگی شوند و فرصت را برای خلق زنان قهرمانی مبتنی بر اسطوره‌های زن ایرانی فراهم کنند. وجود این نگاه زنانه برای ادبیات ما مثل هوا برای زندگی لازم بود.

من هم کوشیدم از این امکان نهایت بهره را ببرم می‌شود. او در پشت سر مادر و مادر بزرگش و در پیش رونجی‌ای به نام امیر دارد. حالا که امیر مفقود شده، باید دست به انتخاب بزند؛ راهی را که مادرش رفته در پیش بگیرد و منفعلانه تن به تقدیر بسپارد، یا نور امیدی را که امیر در دلش روشن کرده تبدیل به شعله‌ای فروزان کند، جانش را به آتش بکشد و ققنوس وار از میان خاکستر به پرواز دربیاید.

چه شد که نام کتاب فصل توت‌های سفید شد؟ شاید بهتر باشد پاسخ این سؤال را به مخاطبان اثر واگذار کنیم، ولی برای این که پرسش شما را بی‌پاسخ نگذارم و تقلبی به مخاطبان برسانم، باید بگویم که فصل توت‌های سفید برای قهرمان داستان، فروغ، فصلی است که زندگی‌اش زیرورو می‌شود و او برای اولین بار احساساتی را تجربه می‌کند که تا پیش از آن تجربه نکرده بود. فصل توت‌های سفید باعث می‌شود فروغ برگردد و نگاهی دیگر به پشت سرش بیندازد و این بار پیش رویش را جور دیگری ببیند.

در مقام یک نویسنده چطور میان نقش‌های دیگر خود؛ همسری و مادری تعادل برقرار می‌کنید تا این نقش‌ها تداخلی با یکدیگر پیدا نکنند؟

کار ساده‌ای نیست و به نظرم کاری است که تنها از عهده زن‌ها برمی‌آید. برای زنان نویسنده‌ای که خانواده برای شان در اولویت قرار دارد و به هیچ وجه حاضر نیستند نقش‌هایی را که به این مناسبت عهده‌دار شده‌اند، فدای نویسندگی کنند، چاره فقط موم و آهن شدن است. باید مانند موم چنان منعطف باشند که به راحتی شکل بگیرند و در عین حال مثل آهن سخت باشند. باید زمان خلق کنند، زمان ذخیره کنند و روح خود را وسعت ببخشند.

هرچند در برهه‌هایی از زندگی، وزنه یکی از این نقش‌ها نسبت به بقیه سنگین‌تر می‌شود. برای زنی که به تازگی مادر شده است یا چند فرزند دارد، خواندن و نوشتن کار ساده‌ای نیست. ولی ذات زن خلق کردن است و همین، به او قدرت و انرژی می‌دهد.



آثار داستانی که در این چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی منتشر شده‌اند، نسبت قهرمانان زن نسبت به مردان یک به چهار بوده است.

بخشی از این اتفاق به این دلیل است که نویسندگان مرد در زمینه نگارش داستان پیش‌تاز بوده‌اند و در دوره‌ای زنان کم‌تری وارد عرصه نویسندگی شده‌اند

همواره در حال مبارزه بوده‌اند؛ فقط این که این مبارزه همواره با افت و خیزهایی همراه بوده است. در هر برهه طرف دوم این مبارزه تغییر کرده است، ولی ارزش‌ها و آرمان‌ها یکسان بوده‌اند. یک نویسنده چطور می‌تواند نسبت به وقایعی که سرزمینش از سرگذرانده، بی تفاوت باشد و آنها را نبیند یا کم‌رنگ ببیند؟

شما این کتاب را همزمان با رمان شاخ دماغی‌ها نوشته‌اید. کار سختی نبود؟

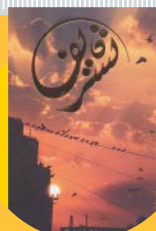
البته که سخت بود. چون باید به دو موضوع و دو حوزه مخاطب متفاوت می‌پرداختم. فضای فرهنگی و اجتماعی دوائر و زمان جاری در داستان‌ها نیز متفاوت بود. البته رمان شاخ دماغی‌ها همان زمان فرصت کافی پیدا کرد تا نوشته، بازنویسی و سپس منتشر شود. ولی انتشار کتاب «فصل توت‌های سفید» به خاطر پرداختن من به فعالیت‌های دیگر، با وقفه روبه‌رو شد. در سال ۹۸ فرصتی پیدا کردم تا دوباره روی اثر و موضوع آن متمرکز شوم و آن را بسط دهم. هرچند مشکلات نشر نیز در این تأخیر بی‌تأثیر نبود و باعث شد تا اثر در بهمن ۱۴۰۱ منتشر شود.

شخصیت‌های زن داستان‌های شما معمولاً کنشگر هستند. آیا در این رمان هم همین‌طور است یا نه، حالت ایستا دارند؟

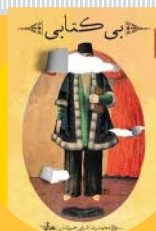
من تمام تلاشم را برای خلق یک قهرمان کرده‌ام. نکته قابل توجه این است که در آثار داستانی که در این چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی منتشر شده‌اند، نسبت قهرمانان زن نسبت به مردان یک به چهار بوده است.



سه گانه دروازه
مردگان،
حمیدرضا
شاه‌آبادی، افق



تشریف،
علی اصغر
عزتی پاک،
شهرستان ادب



بی کتابی،
محمد رضا
شرفی
خوشان،
شهرستان ادب



سوسون،
سیمین
دانشور، نشر
خوارزمی